

## مترجمی که نویسنده خواهد شد؟

خوش شانس بودم پدر من از بچگی تا همین لحظه هرگز بین پسر و دختر فرق نگذاشت و همسر من واقعاً مشوق من بود. حتی من موقعی که نگران بودم وظایف زندگی را که برعهده‌ام است آن طور که دوست دارم نتوانم انجام دهم می‌گفت اینها را ولش کن و برو به کارت برس. برایش مهم بود ارزش قائل بود و همراه و مشوق من بود و اگر این حمایت‌ها نبود فکر نمی‌کنم موفق می‌شدم. زنان دیرتر از مردها وارد جامعه شدند و این محدودیت‌ها در تمام دنیا وجود دارد اما هیچ محدودیتی نباید باعث شود ما پاپس بکشیم. نترسید، پشتکار داشته باشید. نقاط ضعف را با برنامه‌ریزی به نقاط قوت تبدیل کنیم و دنبال این باشیم که کار با کیفیت ارائه دهیم، نه اینکه صرفاً یک کاری کرده باشیم. مطمئن باشید کار با کیفیت خواهانش را پیدا می‌کند. حداقل این است که سرتان جلوی خودتان بالا است که کم نگذاشته‌اید.»

اسلامیه که بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیل شدن در رشته مترجمی از دانشگاه، در جریان کار قرار گرفت، همیشه مترصد فرصتی دوباره برای ادامه تحصیل بود و حالا چند صباحی است که فراغتی دست داده و در نظر دارد به صورت علمی‌تر و جدی‌تر مطالعاتش در زمینه ادبیات داستانی را دنبال کند. البته نه از نوع دانشگاه رفتن، چون نیازی به مدرک دانشگاهی ندارد، اما از شرکت در کلاس‌ها و حضور اساتید ادبیات بهره می‌برد. می‌گوید با اینکه به صورت پراکنده گاهی ایده‌هایی را برای نوشتن ثبت کرده است اما فعلاً قصدی برای اینکه خودش رمانی بنویسد ندارد، البته بعید هم نیست در آینده وقتی به درکی علمی‌تر از ادبیات داستانی رسید شاهد این اتفاق باشیم که نام او نه به عنوان مترجم که نویسنده بر تارک یک کتاب درج شود. او در این موفقیت‌ها البته حمایت خانواده را هم از مهم‌ترین دلایل می‌داند «من خیلی

### اطلاعات فوری:

هری پاتر مجموعه رمان هفتگانه فانتزی برای گروه سنی نوجوانان است. ایده اصلی این رمان ۲۷ سال قبل به ذهن جی کی رولینگ نویسنده آن خطور کرد. آن هم در مدت چند ساعت انتظار در ایستگاه برای قطاری که تأخیر داشت! رولینگ ادبیات فرانسه خوانده. برای تدریس زبان انگلیسی به پرتغال مهاجرت و ازدواج می‌کند و یک سال بعد زمانی که دخترش جسیکا به دنیا می‌آید جدا می‌شود و به انگلستان برمی‌گردد. او در این مدت، دوره افسردگی را می‌گذراند و اقدام به خودکشی می‌کند که ناموفق می‌ماند. دست آخر شروع به نوشتن می‌کند. چندین و چند ناشر از قبول انتشار هری پاتر سر باز می‌زنند و نهایتاً انتشارات بلومزبری در سال ۱۹۹۷ این کتاب را با مبلغ خوبی پیش خرید می‌کند. هری پاتر به سرعت تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های تاریخ جهان می‌شود و رولینگ را نیز در ده سیزدهمین زن ثروتمند انگلستان قرار می‌دهد. تاکنون بیش از ۲۵۰ میلیون نسخه از کتاب‌های مجموعه هری پاتر در سرتاسر جهان به فروش رسیده و این مجموعه به بیش از ۶۵ زبان ترجمه شده است.



## دخترم هری را رقیب خود می‌دانست!

را نخواندید چه طور در موردش نظر می‌دهید. برخی به صرف اینکه در این کتاب جادو مطرح بود می‌گفتند خرافات است. خب اساساً ادبیات تخیل است. جادو هم بخشی از این تخیل و یکی از ابزارهای ادبیات است. انتقاد اگر از کار ترجمه و بجا باشد خیلی خوب است و باعث می‌شود کار صیقل بخورد و همیشه از آن استقبال کردم.» اما مواضع بر سر راه ویدا به نقدها محدود نشد؛ بعد از کتاب سوم و مشخص شدن میزان استقبال مخاطب ایرانی ما شاهد رقبای متعددی برای اسلامیه در بازار نشر بودیم و هری پاتر با چندین و چند ترجمه در کتابفروشی‌ها موجود شد. اما همچنان انتخاب اول هری پاتر دوستان، ترجمه‌های اسلامیه بود و او با اینکه در این فضای رقابتی مجبور بود سرعت را بسیار بالا ببرد و کتاب چند صد صفحه‌ای را در کمتر از یک ماه و پیش از رقبا به اتمام برساند، در کیفیت و کسب رضایت خوانندگان هم موفق بود. «رقابت آنقدر شدید بود که خود من اگر آن وسط نبودم هرگز وارد این گود نمی‌شدم. به هر حال وقتی چند سال در طول زمان یک کاری را پیش می‌بری اشکالات کم می‌شود من خودم وقتی ترجمه‌های اولیه‌ام را می‌خوانم و ایرادات را می‌بینم؛ اصلاً نمی‌خواهم آن را بخوانم و امیدوارم این اشکالات تا حد زیادی کم شده باشد.»

اینکه می‌گوییم هری و همه معلمان و همکلاسی‌هایش در هاگوارتز سال‌ها بخشی از خانواده ویدا در ایران بودند فقط به خاطر این حس آشنایی و علاقه به شخصیت‌هایی که این چنین قوی ساخته و پرداخته شدند نیست؛ حتی دختر کوچک ویدا هم تا مدتها به هری به چشم یک برادر کوچکتر که رقیب او در حس مادری و فرزندگی شده است نگاه می‌کرد و به هری که مادر وقت زیادی را با او می‌گذراند حسودی می‌کرد. «دخترم خیلی کوچک بود که ترجمه را شروع کردم، البته زمانی که به دنیا آمد مدتی کار را کنار گذاشتم. وقتی سه چهار ساله بود مدام سؤال می‌کرد که چه می‌کنی و من داستان را برایش تعریف می‌کردم اما سردرمنی آورد، کم از کم هری پاتر لاجش گرفت؛ اما بعدتر که بزرگ شد و خودش شروع کرد به خواندن مجموعه علاقه‌مند شد.» البته اینطور هم نبود که محبوبیت هری پاتر و به تبع آن اسلامیه در ایران تمام ماجرا باشد. روی دیگر این سکه چالش‌های فراوانی بود که برای یک مترجم تازه کار سخت هم می‌نمایند. اول از همه انتقادهای و نظراتی که می‌رفت او را دلسرد کند یا انرژی و وقتش را بگیرد. «اوایل که تجربه کمتری داشتم نقدها بهم برمی‌خورد و در واقع منتقدان ایرانی، بد می‌گفتند. وقتی از شان می‌پرسیدم، کتاب را نخوانده بودند؛ وقتی چیزی

## آثار نویسندگان زن در اولویت است

اسلامیه و انتشاراتی که او با آن همکاری می‌کند برای انتشار جلد شش، هفت و نمایشنامه اجازه قانونی ناشر اصلی را گرفتند و به قولی حق کپی رایت را که معمولاً در ایران نادیده گرفته می‌شود، رعایت کرده‌اند. از او پرسیدم که در طول پروسه این مکاتبات با خود رولینگ هم گفت‌وگویی داشته؟ «با ناشر در ارتباط بودیم اما با خود خانم رولینگ نه! شما هم بودید حق می‌دادید که خانم رولینگ با آن شهرت و کارهایی که دارد فرصت نداشته باشد که با این همه مترجم از کشورهای مختلف ارتباطی داشته باشد.» اسلامیه در طول این سالها همچنان به ترجمه برخی کتب مرتبط با مجموعه هری پاتر مشغول است مانند کتب درسی هری پاتر! و آخرین «هری پاتر و کودک نفرین شده» را که یک نمایشنامه اقتباسی از این داستان است و به نحوی جلد هشتم رمان نیز محسوب می‌شود سال گذشته و به فاصله دو هفته از انتشار اصلی، ترجمه و منتشر کرد. البته که او سراغ کتب دیگری هم رفته است، رمان‌های دیگری در گروه سنی کودکان و نوجوانان و کتب روانشناسی حالا بعد از گذشت نزدیک به ۲۰ سال با تجربه و دیدگاه متفاوتی دست به انتخاب می‌زند «اوایل اصلاً به این موضوع که نویسنده کیست فکر نمی‌کردم تا اینکه ترجمه کردم و دیدم با خیلی از کتاب‌هایی که نویسنده‌شان آقایان هستند نمی‌توانم ارتباط برقرار کنم. ظرافت جملات متن نویسندگان زن را بیشتر دوست دارم. نویسندگان مرد بیشتر ماجرا را پیش می‌برند و من به تجربه فهمیدم که بیشتر با کتاب‌های نویسندگان زن راحت‌ترم و الان انتخاب اولم نویسندگان خانم هستند.»

## کشف دنیای راز آلود وردها

در طول ۸-۷ سالی که اسلامیه اوایل به طور فشرده و پیوسته و بعد با فاصله یک سال به ترجمه مجموعه هری پاتر می‌پرداخت یکجا از رولینگ ناامید شد و این تردید در وجودش قوت گرفت که اگر کیفیت داستان پایین آمد دست از ترجمه بکشد. آن هم درست زمانی که امبریج پیش را به ماجرا باز کرد «این داستان خیلی مستحکم است. آبکی و تکراری نیست و در همه قسمت‌ها عناصر کلیدی را دارد. اما سر ماجرای آمدن امبریج هنوز معتقدم آنجا داستان را زیادی کش داده و راحت می‌توانست دویست صفحه فاکتور بگیرد واقعاً وقتی آن را خواندم گفتم ای داد و ببداد! اگر همینطور پسرقت کند یا باید کنار بگذارم یا کاری که شروع کردم با بی میلی تمام کنم.»

ویدا اسلامیه در ترجمه بعضی از الفاظ و حرف‌های ناپسند یا رفتارهایی که مطابق با فرهنگ ما و گروه سنی کودک و نوجوان نبود تا حدی تغییر داده، فضا را تعدیل کرده و الفاظ دیگری را جایگزین کرده است و بجز این موارد در روند داستان به متن اصلی پایبند بوده است. اما یکی از معدود دخل و تصرفاتش در ترجمه که حساسی سر و صدای مخاطبان را بلند کرد و به مذاقشان خوش نیامد ترجمه وردهای دنیای جادوگری در جلد چهارم بود. سؤالی که همیشه برای مخاطبان بی‌پاسخ ماند که چه شد اسلامیه تصمیم گرفت وردهای جادویی را ترجمه و معنی‌دار کند؟ «در چند جلد اول فرصتی نداشتم که به این چیزها فکر کنم اما در جام آتش احساس عذاب وجدان داشتم که چرا من این وردها را ترجمه نکردم. کم کاری کرده‌ام و باید بروم اینها را ریشه‌یابی کنم و ببینم هر کدام چه معنایی می‌دهد و کار درست و کامل انجام شود. اما بازخورد مخاطبان نشان داد که دوست نداشتم. شاید اگر از اول ترجمه می‌کردم می‌توانستند ارتباط برقرار کنند اما بعد از ترجمه آن حالت رازگونی خودش را از دست داد و آن حالت بی‌معنیش را شاید بیشتر دوست داشتند.»

